تفکیک بین نشان دادن و تجربه‌گرائی

چند مطلب هفته قبل گفته شد. برخی از آن‌ها را فرستادند. بعد از مباحثه فرمودند خُب این‌که تو گفتی ما می‌خواهیم نشان دهیم، یک روش تجربی می‌شود و خروجی کار تو، تجربی می‌شود و تجربه هم که در سائر تجارب محو می‌شود. یک خروجی تجربی چه فایده‌ای دارد؟ خدمت ایشان عرض کردم که مقصود من اصالً خروجی تجربی نیست. اگر گفتم چشم بشر ببیند، منظورم چشم عقل او است، نه چشم حس او. و الا افلاطون‌گرائی این نیست که چشم تجربه‌گرا ببیند. اصالً مقصود من این نبوده، بلکه مقصود این است که چشم عقل ببیند و ما به‌دنبال این هستیم.

یکی از اعزه جمله‌ای از مباحثه جلسه قبل را به این صورت گفته‌اند: «برخی مباحث در حوزه هوش مصنوعی هم‌چون اتاق چینی وجود دارد که اساساً متافیزیکی برای آن تصور نمی‌شود». فرموده‌اند که در مباحثه قبلی این را عرض کرده‌ام، بعد هم آن را نقد کرده‌اند. اگر من این را گفته‌ام، این اشتباه است. باور نمی‌کنم من این‌طور جمله‌ای گفته باشم. اگر گفته‌ام، اشتباه گفته‌ام. کسانی که هفت-هشت سال مباحثه ما شرکت می‌کنند، می‌دانند که شما وقتی دهان باز کنید و یک واو بگویید، در بستر هزاران مسأله متا فیزیکی است که می‌توانید تک به تک آن‌ها را اسم ببرید. می‌گویم حتی دهن باز کنید و یک واو بگویید. کسانی که کار کرده باشند، می‌دانند؛ شروع می‌کنند ده‌ها و صدها مسأله و بحث متافیزیکی را برای این می‌گویند. من عرض نکردم اتاق چینی مباحث متافیزیکی ندارد، ای حتی مبتنی‌بر مباحث متافیزیکی نمی‌تواند باشد. اگر گفته‌ام، اشتباه است و الآن تصحیح می‌کنم. ولی به گمانم اصالً مقصود من این نبوده. من چه عرض کردم؟ عرض من این بود که یک چیزهایی هست که ما –به‌خصوص حوزوی‌ها- باید قدر آن را بدانیم. متأسفانه قدر این‌ها را نمی‌دانیم.

بازبینی #3
ایجاد شده 11 فوریه 2024 16:25:49 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2025 14:26:52 توسط ... .